

## آنت بوهر<sup>۲</sup>

در این مقاله چند نکته از نظر نویسنده دلیل عدم توفیق منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی است. مهمترین آن نوع رژیم‌های غیر دموکراتیک در این کشورهاست که تصمیم برای همکاری منطقه‌ای از خواست جامعه ناشی نمی‌شود بلکه به میل و نظر روسای این کشورها و چگونگی رابطه آنها با هم بستگی دارد. اختلاف و تنش میان خود این کشورها در حال افزایش است و حسادت و همچشمی میان آنها بحدی است که ترس این کشورها از یکدیگر بیشتر از ترس آنها از روسیه یا مبارزان مسلمان است. دیگر اینکه ملزومات همکاری منطقه‌ای یعنی اقتصاد و سیاست سازگار هماهنگ با هم با ملزومات تحکیم و حفظ خود بر مسند قدرت منافات دارد که به این خاطر علیرغم ابراز تمایل روسای این کشورها به همکاری و همگرایی تا وضع آنها از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تغییر نکند هیچ‌امیدی به شکل‌گیری منطقه‌گرایی واقعی در آسیای مرکزی نمی‌توان داشت. مقاله زیر علل شکست منطقه‌گرایی را در آسیای مرکزی بررسی می‌نماید.

حضور نظامی امریکا در آسیای مرکزی به روند در حال احتضار ابتکارات منطقه‌ای روسیه شدت بخشید و موجب شد رهبران آسیای مرکزی میدان عمل بیشتری برای تامین منافع استراتژیک خود بدست آوردند و بتوانند آن گروه بندی منطقه‌ای را که خود مایلند در آن فعالیت کنند انتخاب نمایند. فهرست سازمانهای منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای که دولتهای آسیای مرکزی<sup>(۱)</sup> تصمیم به ایجاد آن گرفته‌اند،

### 1. Regional Cooperation and the New Geopolitics in Central Asia

۲. خانم دکتر آنت بوهر، Annette Bohr، استاد دانشگاه منچستر می‌باشد. مقاله فوق در میزگرد «آسیای مرکزی: همکاری‌های منطقه‌ای در نظم استراتژیک نوین»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۶ آذر ۱۳۸۲ ارائه گردیده توسط آقای شهرام ترابی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

به آنها پیوسته‌اند، یا خود را از آنها دور نگهداشته‌اند بازتاب واگرایی یا همگرایی مورد نظر در سیاست خارجی آنهاست. این نوشته طرز برخورد متفاوت دولت‌های آسیای مرکزی نسبت به همکاری منطقه‌ای را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه این تفاوت رفتارها می‌توانند دلیل شکست گروه بندی‌های منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای و ناتوانی آنها در ممانعت از تکه تکه شدن و گسستگی بیشتر منطقه را نمایان سازد. پس از ارزیابی مختصر وضع سازمان‌های مهم منطقه‌ای در آسیای مرکزی، این نوشته به برخی محدودیت‌های عملی و سیاسی برقراری ترتیبات منطقه‌ای موثر در منطقه می‌پردازد و خصوصاً بر مانعی که غیر دموکراتیک بودن رژیم‌های شخصیتی آسیای مرکزی در این راه ایجاد می‌کنند تکیه می‌نماید.

### ارزیابی سازمان‌های مهم

هدف غائی سازمان همکاری آسیای مرکزی، CACO<sup>۱</sup>، ایجاد یک بازار مشترک آسیای مرکزی است، اما دولت‌های عضو هنوز حتی نتوانسته‌اند یک منطقه تجارت آزاد بوجود آورند چه رسد به اتحاد گمرکی یا پولی.<sup>(۲)</sup> تمام کشورهای درون سازمان - ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان - بطور دائم بصورت موردی در روابط دوجانبه علیه هم تدابیر حمایتی و تحریم‌های ضد دامپینگ اعمال می‌کنند. تجارت میان منطقه‌ای بین چهار کشور عضو CACO در حال حاضر از هفت یا هشت درصد حجم کل معاملات آنها فراتر نمی‌رود. علیرغم وجود CACO، هیچ کوششی بعمل نیامده که از وجود این سازمان برای حل معضلات مرزی در روابط کشورهای آسیای مرکزی باهم استفاده شود و تعیین حد و حدود مرزها کماکان در سطح دوجانبه انجام می‌گیرد. برنامه ایجاد کنسرسیون آب و برق تاکنون به جایی نرسیده است، هرچند این از نکات اصلی در دستور کار کاکو بوده است. سازمان شانگهای SCO که همه کشورهای آسیای

1. Central Asian Cooperation Organization (CACO)

مرکزی به جز ترکمنستان عضو آن هستند در نخستین سال پیدایشش و قبل از اینکه توجه آن از مسائل اعتماد سازی میان چین و جمهوریهای تازه استقلال یافته معطوف مبارزه با تروریسم و تهدیدات جدائی طلب بشود به توفیقات زیادی دست یافته بود. سازمان شانگهای تعهدی که در اجلاس سران ۱۹۹۹ برای مبارزه با افراط گرایی مذهبی و جدائی طلبی کرده بود وقتی پیکارجویان اسلامی در همان سال در قرقیزستان شورش به راه انداختند جز حمایت زبانی از قرقیزستان کار دیگری صورت نداد. نزدیکی روابط میان آسیای مرکزی و ایالات متحده پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اهمیت به حاشیه کشیده شدن سازمان شانگهای را بیش از پیش آشکار ساخت. در این مقطع حساس در پائیز ۲۰۰۱ سازمان شانگهای هیچ اجلاس اضطراری برای بررسی وضعیت امنیتی سریعاً در حال تغییر منطقه برگزار نکرد. چهار عضو آسیای مرکزی سازمان هم هر یک راه تقویت روابط دوجانبه با امریکا و متحدان غربی امریکا در ائتلاف را بطور جداگانه پیش گرفتند.

تصمیم ازبکستان به الحاق به سازمان همکاری شانگهای در ۱۹۹۹ احتمالاً بیشتر بدلیل حضور چین در این سازمان بود که میتوانست وزنه مقابلی در برابر نفوذ شوروی ایجاد کند. بنظر ازبکستان احتمالاً وجود دو قدرت برتر در یک همکاری منطقه ای بهتر از یکی بود، بخصوص که این یکی روسیه باشد. تصمیم به انتقال مرکز ضد تروریستی مورد نظر سازمان شانگهای از بیشکک به تاشکند<sup>(۳)</sup> حدس و گمانهایی را برانگیخت مبنی بر اینکه ازبکستان میخواهد نقش فعالتری را در امور سازمان همکاری شانگهای برعهده بگیرد، اما چنین نتیجه گیری زود هنگام بود. تا اوت ۲۰۰۳ ازبکستان تنها دولت عضوی بود که در عملیات ضد تروریستی که در شرق قزاقستان و سین کیانگ برگزار می شد و توسط سازمان همکاری شانگهای ترتیب داده شده بود شرکت نکرد و حتی از فرستادن ناظر هم به این عملیات خودداری ورزید، هر چند کمی پیش از آن در عملیات ستاد فرماندهی گووام شرکت داشت.<sup>(۴)</sup>

سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۱</sup> که قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان اعضای آن هستند، هسته اصلی تلاش هائی است که برای ایجاد یک ساختار امنیت دفاعی برای کشورهای مستقل مشترک المنافع صورت می گیرد. با اینحال نخبگان حاکم در این سه کشور آسیای مرکزی وقتی میخواهند به ائتلاف تحت رهبری امریکا حق ایجاد پایگاه نظامی بدهند یا به حضور سربازان غربی در خاک خود خوشامد بگویند هیچ ضرورتی برای طرح مساله در ارگانهای رهبری سازمان پیمان امنیت جمعی نمی بینند. اخیرا تلاش هائی برای تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی صورت گرفته است که از جمله لاف زنی زیادی در مورد تشکیل یک نیروی ضربت سریع جمعی برای آسیای مرکزی است که از گردانهائی از ارتش روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، و تاجیکستان تشکیل شده است. در حقیقت تا وقتیکه هنگهای ارتش هر کشور آسیای مرکزی در قلمرو خود مستقرند هیچ چیز جمعی در مورد این نیروها وجود ندارد. نمایندگی روسیه در این نیروها را گردانی از لشکر ۲۱ تفنگداران مسلح این کشور در تاجیکستان بر عهده دارد که ماموریت اصلی آنها قبلا عملیات ضد قاچاق و مبارزه با تروریسم تعریف شده است.

جامعه اقتصادی اوراسیا<sup>۲</sup> که شامل روسیه، بلاروس، و کشورهای آسیای مرکزی قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان می شود بواسطه تعرفه های حمایتی و تحریم های ضد دامپینگ، که نه تنها در تجارت با کشورهای ثالث بلکه بین خود اعضا بکار گرفته می شود، فلج شده است. بهرحال با تمام مشکلاتش، جامعه اقتصادی اوراسیا در نائل آمدن به اهدافش در مقایسه با دیگر گروه های منطقه ای دربرگیرنده دولتهای آسیای مرکزی به توفیق بیشتری دست یافته است. اعضای این جامعه موافقتنامه های تعرفه ای و گمرکی بیشماری با یکدیگر امضا کرده اند و توانسته اند نرخ گمرکی را برای ۶۵٪ از کالاهای وارداتی از کشورهای ثالث یکی

1. The Collective Security Treaty Organization (CSTO)

2. The Eurasian Economic Community (EAEC)

کنند.<sup>(۵)</sup> به همین شکل، در حالیکه تجارت متقابل میان کشورهای کاکو در ظرف دهه گذشته افت کرده است، تجارت متقابل میان کشورهای جامعه اقتصادی اوراسیای طی همین مدت کمی رشد داشته است. این موفقیت نسبی را میتوان حاصل سه عامل دانست: اول، ماهیت عملگرایی گروه بندی و خارج کردن اهداف امنیتی از دستور کار آن؛ دوم، عدم حضور ازبکستان در جامعه اقتصادی اوراسیا، که حضورش در هر گروه بندی منطقه‌ای عموماً در جهت ممانعت از همکاری کار میکند؛ و سوم امکان بالقوه بیشتر تجارت کشورهای آسیای مرکزی با روسیه نسبت به تجارت آنها با هم، علیرغم گرایشی که همه آنها به صدور مواد خام دارند.

### موانع عمده در همکاری منطقه‌ای

رقابت بین ازبکستان و قزاقستان قطعاً در ایجاد مانع بر سر همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی حداقل هر آنجا که اجماع نظر منطقه‌ای مستلزم ایجاد نوعی توازن قدرت برای آیندو دولت است نقش بازی میکند. نظر بایف و کریم اف عادت دارند راجع به گروه بندیهای منطقه‌ای که دیگری در آن نقش دارد به دیده خواری نظر کنند. در حالیکه نظر بایف سازمان همکاری آسیای مرکزی را وسیله‌ای برای تضمین برتری منطقه‌ای ازبکستان و تحمیل دیگران به متابعت از ازبکستان تلقی میکند، کریم اف آشکاراً با پیشنهاد نظر بایف برای اتحادیه اوراسیائی با این اعتقاد که این اتحادیه به قزاقستان نقش رابط ویژه روسیه با آسیای مرکزی را می‌بخشد بدیده خصومت می‌نگرد. که، قزاقستان خود را عضو محصور و منحصر در آسیای مرکزی نمی‌بیند، هم اینکه معتقد است در هر گروه بندی منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای که آنکشور عضوی از آنست روسیه هم باید یک پای اصلی دیگر باشد. قزاقستان خود را کشوری خیلی از نظر اقتصادی و سیاسی پیشرفته‌تر از ازبکستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی میدانند و عضویتش در کاکو را بعوض گامی به جلو گامی به عقب تلقی میکنند.

دوم، عامل اصلی دیگری که همکاری منطقه ای را با مانع روبرو می سازد بافت و ساختاری است که ابتکارات منطقه ای و زیر منطقه ای در آن صورت می پذیرد. این بافت بیش از آنکه همانند اروپا، امریکای شمالی، یا آسیای جنوب شرقی باشد شبیه افریقا است. همانند، افریقا، شدت تجارت میان منطقه ای در آسیای مرکزی نسبتاً پایین است، وابستگی به تجارت برون منطقه ای بالاست، صادرات عمدتاً شامل محصولات معدنی و کشاورزی است، تجارت غیر رسمی از اهمیت خیلی بیشتری برخوردار است و افت و خیزهای بسیاری در سیستم بازار دیده میشود. بطور قطع، برای توسعه تجارت در منطقه آسیای مرکزی حد و مرز محدودی وجود دارد. هر پنج کشور در اصل شمار معدودی از اجناس را صادر می کنند که مقدار زیادی از آنها روپیم افتادگی دارد: قرقیزستان عمدتاً طلا و بر صادر می کند، تاجیکستان برق، پنبه، آلومینیم؛ ترکمنستان پنبه و گاز طبیعی؛ ازبکستان پنبه و طلا؛ قزاقستان عمدتاً نفت و محصولات فلزی. اقتصاد کشورها نیز جز در برخی منابع خاص (نظیر نفت و ذغال سنگ در قزاقستان، گاز طبیعی و پنبه در ترکمنستان و ازبکستان و نیروگاههای آبی در قرقیزستان و تاجیکستان) به عوض اینکه مکمل هم باشد رقیب هم است.<sup>(۶)</sup> با اینحال می بینیم حتی در زمینه انرژی دولتهای آسیای مرکزی به عوض تشویق تجارت منطقه ای سیاست خود را روی استراتژیهای جایگزینی واردات متمرکز کرده اند.<sup>(۷)</sup> وضعیت بد ارتباطات زمینی، راه آهن، و هوایی در منطقه آسیای مرکزی هم همراه با بیشمار پراکندگیها و دور افتادگیهای مسکونی مانع بزرگ دیگری در افزایش سطح تجارت میان منطقه ای بوده است.

سوم، یک عامل سیاسی محدود کننده از نوع خاص در کار منطقه گرائی آسیای مرکزی رژیم سیاسی داخلی این کشورها است، به این معنا که سازوکار منطقه گرائی را در اینجا تعاملات رژیمهای شخصیتی و در واقع کیفیت روابط رهبران فردی در آنها تعریف و تعیین میکند نه خواست جوامع از رهبران کشورها. در حقیقت دولتهای مرکزی نمونه بارز منطقه ای هستند که

در آن راه همکاری‌های موثر منطقه‌ای بواسطه حضور رژیم‌های غیر لیبرال که اولویت روسای آنها حفظ و تحکیم قدرت خود است سد شده است.

هر چند همه این کشورها، کشورهای غیر دموکراتیک هستند اما هر یک برای خود نوع رژیم خاص خود را دارد. بطور کلی، هر چه درجه آزادمندی اقتصادی و سیاسی در یک دولت آسیای مرکزی بالاتر است، درجه علاقمندی به کار منطقه‌ای بیشتر می‌باشد. نتیجتاً ترکمنستان سلطان‌واره منزوی از زیر بار همه ابتکارات منطقه‌ای شانه خالی میکند، هر چند در ظاهر امر رسماً عضوی از جامعه دولتهای مشترک المنافع و یا سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌باشد. در حالیکه ترکمنستان پررغبت‌ترین کشور منطقه‌گرا در منطقه است، ازبکستان قهرمان مانورهای منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی است. علائق رئیس‌جمهور کریم‌اف را در حیطة‌های همکاری منطقه‌ای که او آنها را بی‌فایده تلقی میکند بهتر میتوان تشخیص داد. در پی خروج از پیمان امنیت جمعی در ۱۹۹۹، ازبکستان به سازمان طرفدار ناتوی گوام متشکل از گرجستان، اوکراین، آذربایجان، و مولداوی، ملحق شد. پس از اعلام قطع تعلیق عضویتش در گوام در ژوئن ۲۰۰۲، در ژوئیه ۲۰۰۳ ازبکستان تصمیم می‌گیرد در تمرینات ستاد فرماندهی که توسط این سازمان ترتیب داده میشود شرکت نماید و عضویت خود را مجدداً بطور موثر فعال نماید. تاخت و تاز جنبش اسلامی ازبکستان در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ کریم‌اف را بر آن داشت که عزمش را جزم کند و به سازمان همکاری‌های شانگهای بپیوندد، هر چند بعداً در این زمینه رویه ثابتی را دنبال نکرد. کریم‌اف به کلی از دست جامعه اقتصادی اوراسیا عصبانی است و آنرا صرفاً تلاشی جهت کسب افتخار برای همگرایان میداند؛ و تا جائیکه به سازمان پیمان امنیت جمعی مربوط می‌شود، کریم‌اف اظهار داشته است که ایالات متحده «توانسته به تنهایی کاری را که همه دولتهای عضو CSTO نتوانسته بودند متفقاً انجام دهند انجام دهد» و نقش تعیین‌کننده‌ای را در کاهش تنش در مناطق جنوبی ازبکستان ایفا نماید.<sup>(۸)</sup> در نقطه مقابل، قزاقستان، قرقیزستان،

و تاجیکستان کشورهای علاقمند به منطقه گرائی هستند. این سه دولت به همه ابتکارات منطقه‌ای مربوط به کشورهای آسیای مرکزی به استثنای گووام ملحق شده‌اند. قزاقستان بویژه مبتکر کنفرانس تعامل و تدابیر اعتماد سازی در آسیاست که بر اساس الگوی سازمان همکاری و امنیت اروپا طراحی شده است. قزاقستان همچنین فعالترین عضو جامعه اقتصادی ارواسیاست که در واقع تاحدی تحقق پیشنهاد ۱۹۹۴ نظر بایف برای ایجاد یک اتحادیه آسیائی است. در حالیکه دموکراسی شرط لازم توفیق منطقه گرائی نمی باشد، منطقه گرائیها بیشتر موفقیت خود را تا این زمان در میان گروه کشورهای بدست آورده اند که دولتهای عضو آن از درجه مشروعیت بالائی برخوردار بوده‌اند. دیدگاههای مخالف این نظر همکاری کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه ان) را مثال میزنند که یک منطقه گرائی موفق است حال آنکه دولتهای عضو آن رژیم های غیر لیبرالند. بهرحال، مهمترین توفیق این سازمان این واقعیت است که کشورهای عضو از دهه ۱۹۶۰ به اینطرف هیچ جنگ و دعوائی با یکدیگر نکرده اند نه اینکه توانسته باشند منطقه آزاد تجاری و یا تجارت میان منطقه ای سطح بالائی ایجاد کنند و یا پیوندهای همگرائی غیر رسمی را رشد دهند.

### نتیجه گیری

برای نتیجه گیری، اگر ما فهرست رو به افزون اختلافات و تنش ها میان کشورهای آسیای مرکزی را ملاک قرار دهیم، بنظر میرسد بزرگترین تهدید علیه امنیت و ثبات منطقه‌ای نه از افغانستان، روسیه یا گروه های اسلامی، بلکه از درون خود منطقه سرچشمه می گیرد. دولتهای ضعیفتر آسیای مرکزی بنظر میرسد از تصور ارباب گرائی ازبکستان بیش از سلطه روسیه یا پیکار جوئی اسلامی در ترس بسر برند. ناتوانی در محدودسازی موثر ازبکستان حتی در چارچوب ساختار محدود کننده منطقه گرائی نظیر کاکو موجب افزایش جذابیت آن دسته از



سازمان‌های منطقه‌ای نزد قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان شده است که به قدرتهای بیرون منطقه نیز اجازه عضویت در آن را میدهد. از یکستان، در نقطه مقابل، ترجیحش بیشتر آن گروه بندیهای منطقه‌ای است که اعضای آنرا منحصرأ کشورهای آسیای مرکزی تشکیل دهند و روابط دوجانبه با امریکا را مکمل همکاری خود داشته باشند.

جوانه زنی علائق استراتژیک فزاینده امریکا در آسیای مرکزی بدون تردید تلاشهایی را توسط روسها و چینی‌ها برای قوت بخشیدن به گروه بندیهای منطقه‌ای در آسیای مرکزی برمی‌انگیزد، اما افزایش قدرت انتخاب و شمار بیشتر فرصت‌های فراروی دولت‌های آسیای مرکزی برای ازدیاد منافعتشان تا حد اکثر ممکن کارآمدی واقعی ابتکارات منطقه‌ای را افزایش نداده است چراکه از نظر داخلی در سیاست، جامعه و اقتصاد این کشورها تغییری صورت نگرفته است. در حقیقت، پدیده قوت گرفته منطقه‌گرایی برای نخبگان حاکم در آسیای مرکزی معضل و معمائی را فراهم آورده است که کماکان به قوت خود باقی است و آن اینکه: چگونه آنها میخواهند بین ضرورت آزادسازی و هماهنگ سازی سیستم‌های سیاسی و اقتصادی خود که لازمه منطقه‌گرایی است با آنچه که آنها خود برای حفظ پایه‌های خویش ضرور تشخیص میدهند آشتی برقرار سازند. هم این معضل است که تا حد زیادی میتواند روشنگر این نکته باشد که چرا ساختارهای منطقه‌ای با آنکه یک دهه از عمر آنها میگذرد بندرت آن نقشی را که باید داشته باشند دارند و نتایج خیلی ضعیف و موفقیت خیلی کمی داشته‌اند.

## یادداشت‌ها

۱. در این نوشته «آسیای مرکزی» برای پنج دولت پس از شوروی (ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان) بکار می‌رود، هرچند این ترکیب تعریف دقیقی از منطقه نیست.
۲. جهت مطالعه و بررسی دقیقی از اهداف و برنامه‌های کار اتحادیه آسیای مرکزی و اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی، نگاه کنید به:  
N.A. Ushakova, "Tsentral'noaziatskoe ekonomicheskoe soobshchestvo", in *Protsessy integratsii na postsovetskom prostranstve: tendentsii i protivorechiia*, Moscow: Rossiiskaia akademiia nauk, Institut mezhdunarodnykh ekonomicheskikh i politicheskikh issledovani, 2001.
۳. مرکز ضدتروریسم جدید رسماً در مارس ۲۰۰۴ در تاشکند گشایش یافت.
4. Malia K. Du Mont, "Cooperation 2003": Style, Substance and Some Surprises, *CEF Monthly*, the newsletter of the China - Eurasia Forum, September 2003, <http://www.chinaeurasia.org/Newsletter.html>
5. Rafel Ultanbaev, "What Unites the EurAsEC Countries", *Central Asia and the Caucasus*, 3:23, 2003, p.138.
6. David Jay Green, "Regional Co-operation Policies in Central Asia", *Journal of International Development*, No.13, 2001, pp.1157-1159.
۷. قرقیزستان مستمراً نسبت به صرف منابع محدود خود برای توسعه ذخایر ذغال اقدام کرده است تا بتواند از اتکای خود به واردات از قزاقستان بکاهد.  
Martin Spechler, "Regional Cooperation in Central Asia", *Problems of Post- Communism*, November / December 2002, p.46.
8. "Reshaiushchuiu rol" Sygrali SSHA", *Kommersant*, 6 April 2002.